

مقدمه‌ای درباره‌ی زبان‌های تاتی و تالشی*

علی عبدلی

تات‌ها و تالشان دو قوم ایرانی هستند. تالشان در کناره‌های غربی دریای مازندران و تات‌ها عمدتاً در آذربایجان شرقی و استان قزوین زندگی می‌کنند. زبانی که تات‌ها بدان سخن می‌گویند در زمان‌های گذشته گسترش بیش‌تری داشته و به استناد شواهد عینی و پژوهش‌هایی که انجام گرفته است، زمانی همه‌ی اهالی آذربایجان و قزوین و زنجان و طارم را فرا می‌گرفت. بعدها با اشاعه‌ی زبان ترکی، تاتی کم‌کم از میان رفت و تنها ساکنان چند آبادی در سراسر دیار پیشین، این زبان را نگه داری [کرده] و تا به امروز رسانده‌اند. از شمار تات‌های کنونی آمار درستی در دست نیست ولی جاهای سکونت‌شان در ایران، چند آبادی در بخش شاهرود خلخال، چند آبادی در رودبار گیلان، شال (چال) و اسفرورین تاکستان و بویین‌زهره در قزوین، هرزند و گرینکان و گلین‌قیه در مرند، زنوز و حسنو در قره‌داغ و بخشی از ساکنان شبه‌جزیره‌ی آبشوران، سوراخانی، بالاخانی، باکو، نواحی شماخی، قوبا، قوناخ کند، دیوچی، خیزی و دیگر بخش‌های جمهوری آذربایجان. هم‌چنین ناحیه‌ی دربند و برخی دیگر از نواحی داغستان و کاتیاکو و طبرسران در شوروی نیز تات‌نشین است. بنا به آمار مندرج در [کتاب] فقه‌اللغه‌ی ایرانی عده‌ی تات‌های کشور شوروی قریب یازده هزار نفر می‌باشد (احتمالاً به استناد نتایج سرشماری سال ۱۹۲۶). ولی این رقم در ایران به مراتب بیش‌تر است، زیرا تنها در آبادی‌های اسبو، اسکستان، درو، کلور، شال، دز، لرد، کرن، گیلوان و گلوزان در شاهرود خلخال بیش از پنجاه هزار تن به تاتی سخن می‌گویند.

در حالی که از زبان تالشی دیرین هیچ‌گونه اثر مکتوبی در دست نیست و از سیر تکوینی تالشی کنونی تقریباً در بی‌خبری هستیم، از پیشینه‌ی تاریخی مردم تالش برعکس آن چه که در مورد تات‌ها مصداق دارد، آگاهی‌های چشم‌گیری از لابه‌لای آمار ایرانی و خارجی به دست می‌آید و اکنون تا حدودی معلوم است که هویت قومی تالشان چیست.

اکنون حدود پانصد هزار نفر تالشی زبان در ایران زندگی می‌کنند که عمدتاً در شهرستان‌های «تالش» و «فومن» رضوان‌شهر، ماسال و شفت سکونت دارند. طایفه‌ها، گروه‌ها و خانواده‌های تالشی نیز در گذشته به ویژه در دوران حکومت سلسله‌های صفوی و افشار، به دلایل سیاسی به دیگر نقاط کوچانده شده‌اند. اکنون محله‌هایی تالشی‌نشین در شهرهای گرگان، بهشهر، سخت‌سر، تنکابن، لنگرود، نشتارود، مغان (در ایل شاهسون) و ... وجود دارد. هم‌چنین «تالشان» اکثریت بیش از ۸۰٪ ساکنین نواحی لنکران و زووند و آستارای آذربایجان

* برگرفته از کتاب: «فرهنگ تطبیقی تالشی-تاتی-آذری»، نوشته‌ی علی عبدلی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰، ص ۲۹-۱۵

شوروی را تشکیل می‌دهند. محققان معتقدند که تالشان ساکنین اصلی نواحی غربی کرانه‌های دریای خزر می‌باشند و در گذشته نقاط مسکونی‌شان بیش‌تر از حال به سوی شمال پیش رفته بود و با نقاط تات‌نشین از غرب تماس می‌گرفت. اما اصطلاح نژادی تالش‌[ی] در منابع قرون وسطا دیده نشده است. قلمرو انتشار زبان تالشی از قرون دوازدهم میلادی که قبایل ترک به سرزمین مزبور روی آوردند، به تدریج محدود شد. اکنون نیز عمده‌ترین خطری که زبان تالشی را تهدید می‌کند زبان ترکی است. چنان که از تالشی‌زبان‌های عنبران و آستارا تا نقاط شمالی هشتمین بخش کاملاً ترک‌زبان و بخشی دیگر دوزبانه شده‌اند.

در مورد تاتی و تالشی نخستین موضوعی که ذهن را به خود مشغول می‌نماید این است که آیا این دو وسیله‌ی تکلم خاص، زبان هستند یا گویش؟ دوم این که آیا هر دوی این‌ها گویش‌هایی از یک زبان هستند یا هر یک گویشی از زبانی جداگانه؟ پاسخی کافی و درست در این باره دست کم در نوشته‌های فارسی دیده نشده است. [...] به نظر نگارنده و به استناد مجموعه‌ای از دلایل و شواهد موجود، تاتی و تالشی زبان مستقلی می‌باشد. شاخه‌ای جداشده از نیا-زبان [ایرانی]، چنان که فارسی نیز شاخه‌ای از تنه‌ی همان نیا-زبان است. با این تفاوت که تاتی و تالشی هم‌چون دیگر زبان‌های ایرانی از سده‌ها پیش در اقلیت بوده و نیز به پشتوانه‌ی ادبی و فرهنگی مدونی متکی نیست اما در عین حال در کنار فارسی که زبان رسمی و مسلط بوده، نزدیکی‌های بیش‌تری به این زبان دارد. این ویژگی در واژگان، افعال، آواها و قواعد دستوری زبان مزبور کاملاً پیداست. جدول‌های صفحه‌ی بعد می‌تواند شاهی بر این ادعا باشند.

اوستایی - پهلوی	تاتی	تالشی	فارسی
یاس	خاس	خاس	خواست
نم	خم	خم	خم، خمیدن
اوستن	ایسوئن	ویسوئه	کشیدن، کشاندن بر زمین
زست	دس	دس	دست
متن	متن	پیرده	گام برداشتن، راه رفتن
دا	آدا	دا	ریشه‌ی مصدری دادن
بو	بو	بو - بی	می‌شود
تاشیتن	تاشستن	تاشته	تراشیدن
درش	درشت	درشت	درشت
از	ازن	انته	ایدون، این چنین
پرس	پرس	پرس	پُرس، پرسیدن
هدا	هجا	هوئه	همان جا
ازم	از	از	ضمیر اول شخص مفرد
پیسته	آلفس	ویند	یافته شده
خشان من	خشامی‌ین	خشامه	خوش آمدن
اند	اند	اند	[ا / اند] پیشوند نفی
زن	زان	زون	بن مضارع دانستن، دان
وین	وین	وین	بن مضارع دیدن [بین]
هونَر	هونر	خنر	هنر
آدان	آدان	آدوئه	دادن، اعطا نمودن
فشو، پسو	پس	پس، گوسند	گوسفند، میش
درگ	داک	داک	دراز و لاغر، دیلاغ
دپه	دول	دول	فریب
ایوینس	ایرس	اویرس	فرو رسند
نس	رس	رس	رسیدن
وید	ویر	ویر	یاد
برز	برز	برز	بلند، [بُرز]
چشمن	چشم	چم	چشم
درس (ایدن)	دی‌یس	دیس	ببین
ازی	زایار	ازی	زایند
ائوج	واجار	اواج	گوینده

پیداست که جدول بالا تنها به عنوان مثال تنظیم شده و دربردارنده‌ی شمار اندکی از واژه‌های مشابه و هم‌ریشه‌ی تاتی و تالشی با اوستایی و پهلوی می‌باشد. بدیهی است که اگر پژوهشی در این زمینه انجام گیرد بی‌گمان یک فرهنگ تطبیقی چندهزار واژه‌ای پدید خواهد آمد.

گویش‌های گوناگونی که زبان تاتی و تالشی دارد و تفاوت‌های موجود در بین گویش‌های این زبان موضوع دیگری است که جای تأمل بسیار دارد. مثلاً مردم کلور به جلو و مقابل می‌گویند piš ولی در آبادی تات‌نشین درو که در مجاورت کلور واقع است به جای piš گفته می‌شود parān، کمی بالاتر در آبادی تات‌نشین اسبو گفته می‌شود niyār. اکنون می‌بینیم نبار اسبویی‌ها بیش از آن که به پیش کلوری یا پران دروی شبیه باشد به «نار» تالشی به همان معنی جلو و مقابل نزدیک است. علت این تفاوت‌ها در گویش‌های یک زبان و در عین حال نزدیکی با زبان دیگر چیست؟ به این گونه پرسش‌ها پاسخ دقیقی نمی‌توان داد مگر با انجام [دادن] پژوهشی گسترده در زبان، تاریخ و فرهنگ مردم تات و تالش که البته کاری است سترگ و بیرون از چارچوب این نوشته. شواهد و دلایل موجود همان اندازه که وجه اشتراک و ارتباط بین تاتی و تالشی با اوستایی و پهلوی را نشان می‌دهد، گویای پیوستگی‌هایی نزدیک با زبان مادی نیز هست. ام. دیاکونوف در تاریخ ماد صفحه ۳۵۰ بر این موضوع تأکید نموده است و در حواشی فصل ششم کتاب یاد شده می‌افزاید [که] زبان تالشی ویژگی‌های صوتی اصلی را که خاص زبان مادی بوده حفظ کرده است. هم‌چنین می‌گوید: در زمان حاضر هم تات‌ها و تالشان و گیلک‌ها و مازندرانی‌ها به لهجه‌هایی سخن می‌گویند که خود بقایای زبان هندواروپایی می‌باشد که در آغاز زبان ماد شرقی بوده. امتیاز ویژه‌ی این لهجه‌ها کهنگی و مهجوری ترکیب اصوات می‌باشد که در بسیاری موارد با زبان پارسی تفاوت داشته و با مادی و پارتی و اوستایی مشابهت دارد.

نظر دیاکونوف و میلر در نوشته‌های برخی از پژوهش‌گران ایرانی نیز تأیید شده است. محققى [=احسان یارشاطر] در این مورد چنین نتیجه‌گیری کرده است که ”در بازسازی زبان مادی که تاکنون بیش‌تر بر اساس آثار این زبان در کتیبه‌های هخامنشی صورت گرفته است، اکنون می‌توان بازمانده‌ی گویش‌های آذری در آذربایجان و تالش را نیز ملحوظ داشت. توافق اصولی قواعد صوتی این گویش‌ها با قواعد صوتی مادی باستان، ادامه‌ی زبان مادی را در گویش آذری تأیید می‌نماید.“

بالاخره این که تشابه و تفاوت زبان پهلوی با زبان‌های دیرین مانند مادی و اوستایی ظاهراً به همان گونه‌ای است که تشابه و تفاوت تاتی و تالشی با آن زبان‌ها. در فرهنگ واژه‌های تاتی و تالشی به نمونه‌های بسیاری برمی‌خوریم که نشان می‌دهد زبان یاد شده گاه از زبان پارسی و پهلوی میانه [؟] هم به زبان‌های کهن‌تر نزدیک‌تر است. اگر چه مشخصاً نوشته‌ای به زبان مادی در دست نیست ولی با آگاهی از این که برخی از دانشمندان مثلاً دیاکونوف و اورانسکی مادی و اوستایی را دو زبان جدا از هم دانسته‌اند، باز چنین به نظر

می‌رسد که دو زبان مزبور تفاوت چندانی با هم نداشته‌اند [!؟] و اکنون تفاوت‌هایی در همان حدود بین تاتی و تالشی وجود دارد.

گفت‌وگو درباره‌ی این که تالشی و تاتی زبان هستند یا گویش و لهجه، و این که تالشی زبانی جدای از تاتی است و یا همانند تاتی بازمانده‌ی «آذری باستان» می‌باشد و بالاخره این که آیا تاتی و تالشی زبان واحدی را تشکیل می‌دهند، هم‌چنان ادامه دارد. بسیاری از پژوهش‌گران از جمله آرانسکی، میلر، گیگر، درن، دیاکونوف و هنینگ از تاتی و تالشی به عنوان زبان‌های جدای از هم یاد کرده‌اند. گروهی دیگر مانند ا. یارشاطر تاتی و تالشی را به مثابه یک زبان معرفی می‌کنند. هم‌چنین این موضوع که تاتی و تالشی به کدام یک از زبان‌های پارتی، مادی و اوستایی بازبسته [است] و ادامه‌ی طبیعی کدام یک از آن زبان‌ها می‌توانند باشند، هنوز در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. اما وقتی سخن از بازبستگی تاتی و تالشی به زبان آذری به میان می‌آید این نکته را نباید از نظر دور داشت که اصولاً زبانی به نام «آذری» وجود نداشته و آن چه که گروهی آن را «زبان آذری» نامیده‌اند، مجموعه‌ای از لهجه‌های مختلف است که در قطعه‌ای از خاک ایران رایج بوده و آثار به جا مانده از آن به وسیله‌ی برخی از پژوهش‌گران مورد بررسی و استناد قرار گرفته است. بقایای آن لهجه‌ها با تفاوت‌های قابل تأملی که با هم دارند و به استناد متن همین کتاب، تالشی هم می‌تواند در دایره‌ی تفاوت‌ها و تشابهات‌شان قرار گیرد، اکنون تاتی نامیده می‌شود. قطعه‌ی ارضی مزبور که از نهاوند و همدان تا دربند و داغستان [و] از البرز غربی تا زاگرس شمالی وسعت دارد، در آغاز بخشی از کشور ماد را تشکیل می‌داد و طبعاً زبان رایج در آن که بعدها ابن مقفع و دیگران از آن به نام پهل و پَرْتَوَ یاد کرده‌اند، چیزی جدا از زبانی به شمار نمی‌آید که «زبان مادی» نامیده می‌شد. با توجه به این که آذربایجان قسمتی از همان سرزمین ماد یا منطقه‌ی پهل می‌باشد که زمانی آتروپات، آتروپاتکان نامیده می‌شد، این نتیجه را می‌توان گرفت که تاتی و تالشی و لهجه‌ی قدیم مردم همدان و نهاوند و زنجان و قزوین که به آذری نیز شهرت دارند همان زبان آتروپاتکان و پهل و پرثو و بالاخره همان زبان رایج در ماد کوچک و به عبارتی خانواده‌ی زبان مادی است که به تعبیری پهلوی نیز خوانده می‌شود. «تردیدی نیست که زبان آذری جز دنباله‌ی زبان مادی نمی‌توانسته باشد، چه آذربایجان و جبال مسکن قوم ماد بوده و هیچ دلیل تاریخی وجود ندارد که پیش از غلبه‌ی ترکی، زبان دیگری جانشین زبان مادی در آذربایجان شده باشد. جز آن که می‌توان تصور کرد که زبان اشکانی و سپس فارسی به نوبت در مراکز عمده‌ی آذربایجان تا حدی رواج گرفته و برخی اثرها در آذری به جا گذاشته باشد. اما چون از زبان مادی باستان اثر مستقلی در دست نیست و از آن جز برخی اصطلاحات و اسامی و کلمات پراکنده - عمدتاً در کتیبه‌های هخامنشی - به جا نمانده است، تشخیص دقیق‌تر آذری و خصوصیات آن تنها از مطالعه‌ی آثار آذری در دوره‌ی اسلامی و هم‌چنین بقایای آذری در آذربایجان کنونی میسر است» [احسان یارشاطر].

استثنای تالشی کنونی از مجموعه لهجه‌های موسوم به آذری سده‌های میانه و تاتی کنونی، به لحاظ اختلاف‌های ریشه‌ای و خانوادگی با آذری و تاتی نیست بل که اختلاف موجود در بیت تاتی و تالشی ناشی از شرایط محیطی و سیاسی جدای از همی است که این دو شاخه باز بسته به هم یک زبان مشخص، در آن قرار داشته، و در طول تاریخ دست‌خوش تغییر و تحولات متفاوتی بوده‌اند و به لحاظ ارتباط‌های فرهنگی و زبانی و اجتماعی و هم‌جواری اقلیمی این دو شاخه زبانی هرگز در مرزی قطعی از هم جدا نمی‌شوند. تفاوت بین این‌ها در سایه روشن از دیرباز وجود داشته و زبان‌های مادی و پهل و پارتی را هم دربرداشته است. چنان که اختلاف لهجه‌های تاتی و اختلاف لهجه‌های تالشی نیز در پس چنان سایه روشنی به چشم می‌خورد. پارت‌سستیزی بی‌امان ساسانیان و ارباب آتشکده‌ها که موجب امحاء مطلق آثار فرهنگ و تمدن آن دولت ۴۷۰ ساله گردیده است، ما را از دست یافتن به منابع و نشانه‌هایی که تصویر روشنی از زبان پارتی ارائه دهد، محروم نموده است. امروزه کلمات اندکی از گوشه و کنار به دست آمده است که منسوب به پارتی می‌باشد، مانند: درخم = دَرَم، پول، سکه؛ خوتک = دخترک امربردار، کنیز؛ زان = بِنِ دانستن؛ ژن = بِنِ زدن؛ هَه = ضمیر اشاره؛ ایم = این؛ و هم‌چنین واژه‌های مادی سپکه = سگ؛ بگ = داماد؛ وارکا = گرگ، و غیره که همه در تاتی و تالشی با تغییرات اندکی محفوظ مانده است. از این رو می‌توان مدعی شد که تاتی و تالشی از آثار وسیع و زنده‌ای می‌باشند که به نحوی با پارتی مرتبط می‌شوند و لذا می‌توانند مرجع نادر و ارزشمندی برای پژوهش‌گران زبان و فرهنگ پارتی باشد.

با این که در هیچ یک از منابع اولیه و گزارش‌های باستان‌شناسی از سرزمین تالشان (کادوسان) به صراحت جزو ملل تابع مادها و هخامنشی‌ها و پارتیان یاد نشده است و در همه جا از دولت نام‌دار کادوس گاه جزو معارضین و گاه از متحدان امپراتوری‌های مزبور سخن به میان آمده، ولی به نظر اکثر دانشمندان وابستگی زبان تالشی و تاتی با پارتی و مادی تقریباً به همان اندازه است که وابستگی این زبان‌ها با پارسی باستان و اوستایی. برخی معتقدند که «زبان ایرانی اوستا و لهجه‌ی خاص گاٹاها، زبان مادی نیست و به هر تقدیر آن زبان مادی ایرانی که آثار آن در اسامی خاص قرن ششم ق.م. و قرن‌ها بعد مشاهده می‌گردد و بقایای آن در زبان‌ها و لهجه‌های تات‌ها و تالش‌ها و گیلانیان و مازندرانی‌ها و سمنانیان و غیره محفوظ مانده، نمی‌باشد» [ا.م. دیاکونوف] و بیش‌تر تأکید در این است که زبان تاتی و تالشی - به قولی، لهجه‌های آذری باستان - به ویژه از لحاظ آوایی و نحوی به مادی که شاخه‌ی مستقلی از زبان‌های باستانی ایرانی بوده، وابسته است. یارشاطر، که از میان پژوهش‌گران ایرانی بیش‌ترین تحقیقات علمی را در زمینه‌ی تاتی و تالشی انجام داده است، تاتی و تالشی را وابسته به آذری باستان می‌داند و این زبان یا زبان‌ها را در قلمرو زبان مادی مورد بررسی قرار می‌دهد و از ارتباط آن با مادی این گونه سخن می‌گوید:

«در بازسازی زبان مادی باستان که تاکنون بیش‌تر بر اساس آثار این زبان در کتیبه‌های هخامنشی صورت گرفته است، اکنون می‌توان بازمانده‌ی گویش‌های آذری آذربایجان و تالش را نیز ملحوظ داشت. توافق اصولی

قواعد صوتی این گویش‌ها با قواعد صوتی مادی باستان، ادامه [یافتن] زبان مادی را در گویش آذری تأیید می‌نماید. این گفته بیان دقیق‌تر این نظر دیاکونوف می‌باشد که می‌گوید: «تات‌ها و تالش‌ها و گیلک‌ها و مازندرانی‌ها به لهجه‌هایی سخن می‌گویند که خود بقایای زبان هندواروپایی می‌باشد و در آغاز زبان ماد شرقی بوده. امتیاز ویژه‌ی این لهجه‌ها کهنگی و مهجوری ترکیب اصوات می‌باشد که در بسیاری موارد با زبان پارسی تفاوت داشته، با مادی و پارتی و اوستایی مشابهت دارد ... مثلاً وک (ورگ) تالشی و وارک مازندرانی و ورک سمنانی که هر سه به معنی گرگ است، بهتر از گرگ فارسی جدید، ورکای پارسی باستان و وارکای پارسی میانه و مادی را منعکس می‌کنند. قیاس کنید «ژن» تالشی را با «جنا»ی پارسی باستان و «زن» فارسی نو». نکاتی که شرح داده شد ما را متوجه این واقعیت می‌نماید که در زمینه‌ی شناخت فرهنگ، تمدن و تاریخ زبان ایرانی و پرده برداشتن از انبوه مبهمات و بازشناختن نادرستی‌هایی که در این زمینه وجود دارد، میراث گران قدری مانند زبان تاتی و تالشی سندی بی‌همانند است و لاجرم پی‌آمد قصور و غفلت ما از پرداختن جدی و بایسته به این میراث عظیم چه خسروانی است جبران‌ناپذیر.